

بسم الله الرحمن الرحيم  
تحلیل میکانیزم تجاوزهای امریکا در عصر حاضر  
(ترجمه)

خبر:

امریکا در حال تجمع نیروهای نظامی خود در اطراف ایران است و تهدید می‌کند که در صورت عدم تسلیعی ایران با شرایطش درباره‌ی امضای توافق برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی ایران، به این کشور حمله نظامی کند. همچنین اخیراً نیروهایش را در اطراف ونزوئلا متمرکز کرد تا اینکه رئیس‌جمهور این کشور، مادورو و همسرش را ربوده و به امریکا منتقل کرد و اکنون در حال تحمیل شرایط خود به این کشور است.

سوال اینجاست: امریکا چگونه قادر به انجام چنین اقداماتی است؟ آیا امریکا دولتی شکست‌ناپذیر است؟ یا رازی در نحوه‌ی اقدام و همچنین چگونگی شکست دادن رقیبانش وجود دارد؟

تبصره:

واضح و روشن است امریکا به تنهایی نمی‌تواند دست به چنین اقداماتی (مانند حمله نظامی یا مداخله) بزند، بلکه موفقیت آن از دو طریق حاصل می‌شود:

1- از طریق متحد شدن با سایر کشورها و قدرت‌ها.

2- از طریق سکوت و بی‌تفاوتی دیگر کشورها که به امریکا اجازه می‌دهند هر آنچه می‌خواهد انجام دهد.

نخستین مداخله نظامی مستقیم امریکا در سرزمین‌های ما در سال ۱۹۹۱ در عراق اتفاق افتاد، که در آن امریکا با حدود ۳۲ کشور از کشورهای منطقه، اروپا و سایر نقاط، به بهانه‌ی آزادسازی کویت، متحد شد.

سپس در سال ۱۹۹۲ به سومالی حمله کرد و در این اقدام با مصر، ترکیه و پاکستان متحد شد، در حالی که سایر کشورها سکوت کردند.

پس از آن در سال ۲۰۰۱ به افغانستان حمله و آن را اشغال کرد و کشورهای ناتو را با خود همراه ساخت. همچنین پاکستان و کشورهای آسیای میانه تمام امکانات را برایش فراهم کردند و اجازه عبور نیروهایش از قلمرو خود یا ایجاد پایگاه در خاکشان را دادند. سپس در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله و آن را اشغال کرد، این بار در اتحاد با بریتانیا و استرالیا و با پشتیبانی حدود ۳۶ کشور از سراسر جهان. در نهایت در سال ۲۰۱۴ به سوریه حمله کرد با ائتلافی متشکل از ۶۰ کشور. در این حمله، ترکیه تحت رهبری اردوغان پایگاه‌های خود را در اختیار امریکا گذاشت، همان‌طور که در حمله به عراق و نیز در حمله به افغانستان به عنوان عضو ناتو این کار را انجام داده بود. قطر نیز در تمامی این موارد پایگاه‌های خود را در اختیار امریکا قرار داد.

یا کشورهای بزرگ و کوچک در برابر اقدامات امریکا سکوت می‌کنند، یا حداکثر به محکوم‌سازی‌های زبانی اکتفا می‌نمایند. روسیه و چین نیز که قدرت‌های بزرگ و توانمندی هستند و اگر بخواهند می‌توانند در برابر امریکا بایستند، یا سکوت کرده‌اند یا فقط محکوم کرده‌اند.

در نتیجه، هیچ کشوری در برابر امریکا مقاومت نمی‌کند و با آن مقابله نمی‌نماید. بنابراین امریکا در هر کشوری یکه‌تاز می‌شود، و شمار زیادی از کشورها نیز از آن پشتیبانی می‌کنند تا زمانی که نوبت به خود آن کشورها برسد.

ایران به زبان بسیاری از مقامات رسمی خود اعتراف کرده که در اشغال افغانستان و عراق به امریکا کمک کرده، و با استفاده از سازمان‌های استخباراتی و هواداران خود به تثبیت این اشغال یاری رسانده است. به این صورت که از آن‌ها خواست در برابر اشغال مقاومت نکنند و حتی گروه‌هایی تشکیل دهند که با مجاهدین بجنگند. به همین منظور، بعدها "حشد الشعبی" و "فیلق قدس" تحت فرماندهی سلیمانی را تأسیس کرد. همچنین مراجع تقلید بزرگی مانند سیستانی، حکم به حرام بودن جنگ با امریکا دادند و از دولت‌هایی که امریکا در این سرزمین‌ها حاکم کرد، حمایت سیاسی کردند.

ایران در سوریه نیز به امریکا کمک کرد؛ جایی که علیه مردم سوریه که بر ضد بشار اسد -که مستقیماً مزدور امریکا خوانده می‌شود- قیام کرده بودند، جنگید. ایران حزب متحد خود در لبنان و هوادارانش از عراق، افغانستان و پاکستان را نیز به میدان آورد. اما زمانی که نقش ایران در این سرزمین‌ها به پایان رسید، امریکا آن را از آن‌ها بیرون راند.

اکنون چرخه‌ای که ایران با دست خود ایجاد کرد، به سوی خودش بازگشته است. امریکا اکنون ایران را منزوی کرده و از آن می‌خواهد که به شروطش در مورد برنامه هسته‌ای و موشکی و همچنین در قبال اعتراضات مردمی علیه نظام، تسلیم شود. با اینکه می‌داند ایران از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، سیاست حرکت در مدار امریکا را در پیش گرفته و حوادثی که پیشتر ذکر شد گواه این مدعاست.

ایران گمان می‌کند اگر با امریکا -که روزگاری آن را "شیطان بزرگ" می‌خواند- متحد شود، در امان خواهد بود و این شیطان به آن آسیبی نمی‌رساند؛ بنابراین می‌تواند منافع خود را از طریق تحقق منافع امریکا در منطقه تأمین کند. اما این شیطان (امریکا) حتی به طرفداران، مزدوران، دوستان، شرکا و همراهان خود نیز رحم نمی‌کند. او آماده است که هر زمان منفعتش ایجاب کند، بر آن‌ها بتازد، یا آنان را بدون پشتیبانی رها کند؛ زیرا شعارش "اول امریکا" است.

امریکا به تهدید کشورهای اروپایی شروع کرده است، در صورتی که گرینلند را به آن واگذار نکنند، و اوکراین را در مقابله با روسیه تنها گذاشته تا خود به سختی بجنگد و بار کمک به آن را بر دوش کشورهای اروپا می‌گذارد. همچنین از مزدوران و متحدان سابق خود که خدمات بزرگی به آن ارائه کرده بودند، مانند پرویز مشرف، نواز شریف و عمران خان در پاکستان، سوهارتو در اندونزی، حسنی مبارک در مصر، عمر البشیر در سودان و بشار اسد در سوریه، روی گردانده و آن‌ها را رها کرده است.

راز شکست امریکا در این است که سایر کشورها با آن متحد نشوند، در برابر تجاوزها و زورگویی‌هایش سکوت نکنند و با قاطعیت و جدیت در مقابل آن بایستند. همچنین به امریکا هیچ پایگاه نظامی ندهند و هیچ راهی را برایش هموار نکنند تا به دولتی تبدیل شود که تنها بر قلمرو خود حاکمیت و سلطه دارد.

تاکنون هیچ نشانه‌ای از تمایل این کشورها برای انجام چنین کاری دیده نمی‌شود. تنها امید، برپایی دولت خلافت راشده در آینده‌ای نزدیک به إذن الله سبحانه و تعالی است که در برابر امریکا خواهد ایستاد و همه کشورها را وادار می‌کند تا امریکا را تنها بگذارند؛ نه با آن متحد شوند، نه عبور از سرزمین، آب‌ها یا حریم هوایی خود را برایش ممکن کنند و نه پایگاهی در اختیارش قرار دهند. خلافت راشده افکار عمومی را علیه امریکا برخواند انگیزت و با تمام کشورها ارتباط برقرار کرده آن‌ها را متقاعد خواهد نمود.

نویسنده: أسعد منصور

13 شعبان 1447 ه.ق.

1 فبروری 2026 م.

مترجم: حسن سلحشور